

مؤلف: رثالىسم

پيچيده
على اصغر فضيلت

سرشناسه : فضیلت، علی اصغر، - ۱۳۴۳
 عنوان و نام پدیدآور : رئالیسم پیچیده/ علی اصغر فضیلت.
 مشخصات نشر : گرگان: مقسم، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۱۱۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۱۸-۳۸-۶
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : واقع گرایی
 موضوع : انسان شناسی - فلسفه
 موضوع : شاخه (فلسفه)
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ۹۶۹/ف/۸۳۵
 رده بندی دیویی : ۱۴۹/۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۱۹۷۱۴

نام کتاب: رئالیسم پیچیده

نویسنده: علی اصغر فضیلت
 ویراستار: نساء رضایی
 طراح جلد: میثم عرب
 صفحه آرای: محمد امین مقسمی
 ناظر فنی: روح اله مقسمی
 ناشر: انتشارات مقسم
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۱۸-۳۸-۶
 چاپ و صحافی: دیجیتال مقسم
 تعداد صفحات: ۱۱۰ صفحه
 قیمت: ۹۰۰۰ تومان
 قطع: وزیری

نشر آکا/ اندرس

انتشارات
مقسم

WWW.MOGHASEMPUB.COM

گرگان: خیابان شهید بهشتی، جنب بهزیستی، انتشارات مقسم - ۰۱۷۳۲۳۳۹۴۵۳

* فهرست مطالب *

صفحه	عنوان
۷	پیش گفتار.....
۸	مقدمه.....
۸	الف) اهمیت بحث.....
۹	ب) آثار این بحث.....
۱۳	فصل ۱: رئالیسم.....
۱۴	الف) معنی لغوی رئالیسم.....
۱۵	ب) نقطه مقابل رئالیسم (ایده آلیسم).....
۱۵	ج) معنای اصطلاحی ایده آلیسم و رئالیسم.....
۱۶	د) خویشاوندی ایده آلیسم با سوفیسم.....
۱۷	فصل ۲: معانی و مصادیق رئالیسم.....
۱۸	الف) معانی مختلف رئالیسم.....
۱۹	ب) مکاتب رئالیسم.....
۲۰	۱- مشاء.....
۲۱	۲- اشراق.....
۲۵	۳- ماتریالیسم.....
۲۹	۴- امپریسم.....
۳۴	۵- حکمت متعالیه.....
۳۷	ج) تعریف حقیقت از نظر رئالیست ها.....
۴۱	د) یقینیات، تکیه گاه رئالیسم.....
۴۵	فصل ۳: ایده آلیسم.....
۴۷	صاحبان اندیشه های ایده آلیستی.....
۴۷	الف) گرگیاس.....
۴۹	ب) کانت.....
۵۰	ج) هگل.....
۵۱	فصل ۴: سوفیسم.....
۵۵	فصل ۵: سیتی سیسم.....
۵۹	دلایل مورد استناد شک گرایان و نقد آن.....
۶۷	فصل ۶: رئالیسم و شناخت.....
۶۸	الف) رابطه رئالیسم با شناخت.....

۷۰	(ب) اقسام شناخت
۷۲	(ج) تقسیمی دیگر از شناخت
۷۵	فصل ۷: اطلاق یا نسبیت شناخت
۷۶	(الف) نقد نسبیت حقیقت
۷۸	(ب) نسبیت = سفسطه پنهان = شکاکیت پیچیده
۸۰	(ج) توجیهات قائلین به نسبیت = شکاکیت پیچیده
۸۰	۱- توجیه یکم
۸۱	۲- توجیه دوم
۸۲	۳- توجیه سوم
۸۳	۴- توجیه چهارم
۸۶	(د) نقد توجیهات چهارگانه قائلین به نسبیت شناخت = شکاکیت پیچیده
۸۶	نقد ۱
۵۷	نقد ۲
۸۶	نقد ۳
۸۸	نقد ۴
۹۰	نقد ۵
۹۵	فصل ۸: رئالیسم خام و پیچیده
۹۶	(الف) تعریف و توضیح
۹۹	(ب) تقسیمی بی فایده
۱۰۲	(ج) هویت و ماهیت علم و معرفت
۱۰۳	(د) بازگشت رئالیسم پیچیده به نسبیت و شکاکیت = سوفیسم
۱۰۵	(ه) خلاصه و نتیجه
۱۰۸	منابع

شکر نعمت نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند

بر خود لازم می‌دانم پیش از شروع و ورود به بحث، از باب عمل به آموزه «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»، از همه‌ی عزیزانی که انگیزه و زمینه‌ی پرداختن به این تحقیق را برای این جانب فراهم کردند، تقدیر و تشکر به عمل آورم، به ویژه از باب عمل به کریمه «لَا يَزِيدَنَّكُمْ وَ إِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»، از همه‌ی اساتیدی که توفیق داشتم از خرمن دانششان، خوشه‌ها برچینم و نیز از همسر مهربانم که سهم بسزایی در ایجاد انگیزه برای این جانب داشته‌اند، کمال سپاس را دارم و از درگاه یگانه عالم، برایشان آرزوی توفیق روز افزون می‌نمایم.

به امید آن که این تشکر و انجام وظیفه‌ی سپاس‌گزاری در برابر نعمت مزبور، بر نعمتم افزون گردد. از خداوند متعال، دوام برکات وجودی همه‌ی اساتید فرهیخته‌ام و نیز بارش برکات وافر رحمانی و رحیمی را بر همه عزیزانی که در این راستا، منشأ آثار دائمی‌اند، خواستارم. همچنین دوام توفیق همه‌ی تلاشگران عرصه‌ی مجاهدت‌های اندیشه‌ای را از خداوند مَنَّان طلب نموده و امیدوارم در راستای وصول به حقیقت و تبیین آن، همه کسانی که دغدغه‌های معرفتی دارند و در پی تعالی و تکامل‌اند، مؤید و منصور به تأییدات رحمانی باشند.

الف) اهمیت بحث

بحث از شناخت و معرفت، از ضروری‌ترین بحث‌ها در حوزه‌ی حیات انسانی است. علم و معرفت و شناخت، همیشه نقش و اهمیت ویژه‌ای در طول تاریخ بشری داشته است. این اهمیت به حدی است که فلاسفه‌ی مشاء، جوهره‌ی اصلی انسان را عقل و اندیشه وی دانسته و به میزان بهره‌برداری‌اش از عقل، دانش و علم و معرفت، او را در حوزه‌ی اکتساب کمالات، تکامل یافته دانسته‌اند و بر این باورند که: هر انسانی که جنبه‌ی معرفتی و استعدادهای علمی‌اش را بارور نماید انسان کاملی است که جهان در او خلاصه شده است.

هر آن کس ز دانش برد توشه‌ای جهلی است بنشسته در گوشه‌ای

و حتی در مواردی، به این مطلب تصریح شده است که نه تنها جوهره و رکن اصلی هستی انسان، جنبه‌های عقلانی و استعدادهای علمی اوست، بلکه همه‌ی هستی انسان را اندیشه و جنبه‌های عقلی او دانسته و انسان را مساوی اندیشه و عقل و معرفت او دانسته‌اند و بدین سان، تکامل انسان را نیز در هر چه بارورتر شدن اندیشه‌اش ارزیابی کرده‌اند. چنانچه گفته‌اند:

ای برادر، تو همین اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای

در مواردی از آیات قرآن نیز می‌توان در تأیید و تحکیم مابقی بدان استشهاد نمود، چنانچه آیه شریفه «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا^۱» گواه بر این مطلب است.

اگرچه خداوند در این جا در مقام حصر نبوده و در پی آن نیست که انسان را مساوی دانش و علم و معرفت معرفی کند و سایر جنبه‌های وجودی او را نادیده انگارد، اما این مطلب قابل برداشت است که: اهمیت معرفت و دانش، امری اجتناب‌ناپذیر و غیر قابل انکار است.

۱- به هر کس که حکمت (قابلیت کشف حقایق) آنگونه که هست) داده شود، همانا خیر بسیاری به او داده شده است.
(سوره بقره-آیه ۲۶۹)



چنانچه در آیه دیگری می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...»^۱

اهمیت حوزه علم و معرفت بدان اندازه است که این امر پیش نیاز رسیدن به سایر مراحل است.

اگر علم و عمل، دو بال پرواز انسان به سوی سعادت باشند، بدون علم، عمل ممکن نباشد و عمل بدون علم، فاقد غایت فکری عقلایی بوده و در زمهری لُهو و لعب و فعل چهارپایان است. این که خداوند، تعلیم را در کنار تزکیه آورده، خود دلیلی بر اهمیت موضوع است. آنچه تاکنون بدان اشاره شد، اهمیت اصل شناخت و معرفت است و اما این که آیا شناخت و معرفت به طور مطلق پسندیده و مورد توجه است؟

پرواضح است آنچه از شناخت مورد توجه است، مسمای آن یعنی شناخت حقیقی است و نه اسم به تنهایی؛ که در ادامه بحث، بدان می‌پردازیم.

ب) آثار این بحث

از تفاوت‌های انسان با جماد، گیاه و حیوان آن است که انسان، آن گونه رفتار و زندگی می‌کند که فکر می‌نماید، بر خلاف سایر موجودات که بر اساس هدایت‌های تکوینی جبری، به سیر زندگی و حیاتشان ادامه می‌دهند.

ویژگی‌های وجودی جماد این است که: دارای وزن و حجم بوده، فضا اشغال می‌کنند و دارای ابعاد ثلاثه‌ی طول و عرض و عمق هستند. در این که این گونه در هستی پدیدار شده، از خود اراده‌ای نداشته است. اگر اسیدسولفوریک دارای خاصیت ویژه‌ی خود است که آب فاقد آن ویژگی است، این تفاوت، معلول ترکیب و چینش خاص مولکولی هر یک از آن دو است و هیچ کدام در نوع ترکیب و چینش مولکولی‌شان، دارای اختیار و اراده نبوده و نیستند. در عالم گیاه و حیوان نیز وضع به همین صورت است. آن دو نیز تابع قوانین و سنت‌های حاکم بر خود بوده و هیچ گونه اختیاری در تغییر وضع خود ندارند. عالم غیرانسان، آن گونه که بخواهد، زیست نمی‌کند، بلکه آن گونه زیست می‌کند که برای او خواسته شده است. (جبر) اما موضوع انسان به طور کامل با سایر موجودات متفاوت است، زیرا انسان آن گونه که

۱- او همان خدایی است که از میان مردم، پیامبری را برانگیخت تا بر مردم آیاتی را تلاوت کند، آنان را از پلیدی‌ها پاک ساخته و کتاب آسمانی و حکمت الهی بیاموزد. (سوره جمعه/ آیه ۲).



بخواهد، می‌اندیشد و آن‌گونه که می‌اندیشد، احاطه‌ی معرفتی نسبت به هستی می‌یابد و به همان کیفیت و کمیتی که نسبت به خود و هستی اندیشیده و واجد معرفت شده است، زندگی خود را رقم می‌زند. بنابراین، این اثر شناخت و معرفت آدمی است که چگونگی حیات او را معین می‌کند.

درست است که سیر همه‌ی عالم به سوی کمال مطلق است: «الی الله تصیر الامور»، اما مراتب و مراحل این سیر در هر بخش از لایه‌های هستی متفاوت است.

www.ketab.ir



خدا خولن تا خدا دان فرق دارد که حیوان تا به انسان فرق دارد
بدین سان از خدادان تا خدایاب ز انسان تا به سبحان فرق دارد^۱
محقق را مقلد کی توان گفت که دانا تا به نادان فرق دارد

چنانچه خداوند می‌فرماید:

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ عَنِ الذِّينَ لَا يَعْلَمُونَ.»^۲

www.ketab.ir

۱- بیت دوم، متعلق به علامه جعفری است. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (جلد ۷). دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۵۹. ص ۵.
۲- آیا آنان که می‌دانند، با آنان که نمی‌دانند، مساوی‌اند؟ (سوره زمر/ آیه ۹)